

ترویج فضایل اخلاقی در راهیابی به شناخت خداوند: رابطه‌ی دین، اخلاق و سلامت در دیدگاه اسپینوزا

حسین فصیحی^{۱*}، سید احمد فاضلی^۲

۱. دانشجوی دکتری فلسفه‌ی اخلاق، دانشگاه قم، قم، ایران.

۲. دانشیار گروه فلسفه‌ی اخلاق، دانشگاه قم، قم، ایران.

چکیده

در دنیای فلسفه، اندیشمندان بسیاری با تفکرات عمیق و گاه شگفت‌انگیز، دریچه‌ای نو به سوی درک هستی گشوده‌اند. در این میان، اسپینوزا، با دیدگاهی منحصر به فرد، پیوندی عمیق میان اخلاق و دین و ذات الهی ترسیم می‌کند. اسپینوزا معتقد است، کتاب‌های مقدس، فراتر از آموزه‌های مذهبی، نقشی انگیزشی برای عمل اخلاقی در انسان ایفا می‌کنند. او ریشه‌ی فضیلت را در طبیعت و ذات انسان جست‌وجو می‌کند و معتقد است، خوبی و بدی اعمال، ذاتی آن‌ها نیست، بلکه به خداوند، به‌عنوان مبدأ خیر و شر بازمی‌گردد. در نهایت، اسپینوزا با اعتقاد به ضرورت فراگیر، اخلاق را نیز از این قاعده مستثنی ندانسته و آن را مستند به ذات الهی می‌داند. این دیدگاه نشان می‌دهد، اخلاق و همه‌ی اعمال انسان در چهارچوب ضرورت‌های طبیعت و ذات الهی اتفاق می‌افتد. بررسی دیدگاه‌های اسپینوزا روشن می‌سازد، انسان با ذات الهی وحدت دارد و رابطه‌ی میان دین و اخلاق از نوع هماهنگی و تعامل است. این دو مقوله در فلسفه‌ی اسپینوزا، در یک مسیر قرار می‌گیرند و به انسان در مسیر سعادت و فضیلت یاری می‌رسانند. این رویکرد بدیع، نه‌تنها درک ما را از اندیشه‌های اسپینوزا ژرف‌تر می‌کند، بلکه با ایجاد پلی میان دین و عقل و سلامت، راه را برای بازاندیشی در باب اخلاق پزشکی و معنویت در جهان امروز هموار می‌سازد. این پژوهش، با نگاهی نقادانه به دیدگاه‌های اسپینوزا، زمینه‌ساز پژوهش‌های آینده در حوزه‌ی فلسفه‌ی اخلاق، دین و اخلاق پزشکی خواهد بود و می‌تواند به گفت‌وگوی سازنده میان سنت و مدرنیته کمک کند.

واژگان کلیدی: اخلاق پزشکی، اخلاق فضیلت، اسپینوزا، فلسفه‌ی دین.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۲۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۲/۲۲

* نویسنده‌ی طرف مکاتبه:

حسین فصیحی

آدرس: قم، بلوار الغدیر، دانشگاه قم، دانشکده‌ی

الهیات، گروه فلسفه‌ی اخلاق

کد پستی: ۳۷۱۶۱۴۶۶۱۱

تلفن: ۲۱۰۳۰۰۰ - ۰۲۵۳

Email: hoseinefasihi@gmail.com

مقدمه

در فلسفه، رابطه دین و اخلاق، ذهن اندیشمندان را به چالش می‌کشد. فیلسوفان مختلف، دیدگاه‌های متفاوتی در این زمینه ارائه داده‌اند. برخی دین را مبنا و اساس اخلاق می‌دانند و برخی دیگر اخلاق را ریشه و بنیان دین. باروخ اسپینوزا^۱، فیلسوف قرن هفدهم (۱۶۳۲-۱۶۷۷)، در پیچه‌ای جدید به سوی درک این رابطه می‌گشاید. اسپینوزا دکارتی بود؛ و با وجود نگارش آثار اندک، جامعه فلسفی و فرهنگی را به شدت تحت تأثیر قرار داد (۱).

در سال‌های اخیر، توجه به رابطه میان فلسفه اسپینوزا و سلامت روان، به‌ویژه در زمینه روانشناسی مثبت‌گرا و درمان‌های روان‌تنی، افزایش یافته است. مطالعه‌ای از یوپا^۲ به بررسی تأثیر دیدگاه اسپینوزا بر نظریه‌های روانشناختی معاصر پرداخته و نشان داده فلسفه اسپینوزا به‌ویژه در زمینه مدیریت احساسات و آگاهی از خود، راهکارهای عملی برای درمان مشکلات روانی ارائه می‌دهد (۲). همچنین، در تحقیقات جدیدتر، تیلور^۳ بر ارتباط میان مفاهیم اسپینوزا و روانشناسی مثبت تأکید دارد، به‌ویژه در مورد چگونگی اثرات برقراری هماهنگی میان جسم و روح در سلامت روان (۳). از طرفی، مطالعات در حوزه پزشکی نیز نشان داده‌اند که رویکرد اسپینوزایی به تعامل جسم و روح می‌تواند به توسعه درمان‌های جدید برای بیماری‌های روان‌تنی منجر شود (۴). این مطالعات نشان می‌دهند که فلسفه اسپینوزا نه تنها در حوزه اخلاق و دین، بلکه در علوم انسانی و پزشکی نیز کاربردهای نوآورانه‌ای دارد.

بنابراین نوشتن مقاله‌ای در مورد رابطه دین، اخلاق و

پیام‌های کلیدی

- بر اساس دیدگاه اسپینوزا و با تأکید او بر وحدت وجود، سلامت، نه صرفاً نبود بیماری، بلکه هماهنگی انسان با قوانین طبیعت و کل هستی است. این نگرش کل‌نگر، سلامت جسم، روان، جامعه و محیط زیست را به هم پیوند می‌زند و اخلاق پزشکی را به سمت رویکردهای پیشگیرانه و ارتقا دهنده سوق می‌دهد.
- اسپینوزا اختیار را عمل کردن بر اساس ضرورت ذات عقلانی تعریف می‌کند. بر اساس چنین دیدگاهی، بر حق بیمار در تصمیم‌گیری آگاهانه تأکید شده و پزشکان را موظف می‌سازد تا با احترام به خودمختاری بیماران، درمان را با نیازها و ارزش‌های فردی آنها هماهنگ کنند.
- بر اساس دیدگاه‌های اسپینوزا و با پیوند زدن اخلاق، دین و سلامت، معنویت به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از مراقبت‌های پزشکی است که توجه به ابعاد روحانی بیماران (مانند امید و آرامش) نه تنها کیفیت زندگی آنها را بهبود می‌بخشد، بلکه به درمان جامع‌تر و انسان‌محورانه‌تر می‌انجامد.

سلامت از منظر اسپینوزا ضروری است زیرا این موضوع هنوز به

2. Youpa
3. Taylor

1. Baruch Spinoza

- مروری بر دیدگاه‌های مختلف در مورد رابطه دین و اخلاق با توجه به الزمات آن در اخلاق پزشکی.
- تبیین مفاهیم دین و اخلاق در فلسفه اسپینوزا و تحلیل رابطه این دو در ارتباط با اخلاق پزشکی و سلامت.
- نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات برای پژوهش‌های آینده.

روش‌شناسی پژوهش

داده‌های مورد تحلیل از طریق فیش‌برداری از آثار اصلی اسپینوزا، به خصوص کتاب «اخلاق» و همچنین مقالات و منابع علمی معتبر مرتبط با اسپینوزا جمع‌آوری شده است. آثار اصلی اسپینوزا که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته شامل موارد زیر است:

- کتاب اخلاق^۱
 - رساله الهی - سیاسی^۲
 - همچنین، مقالات و منابع علمی معتبر مرتبط با موضوع پژوهش از طریق پایگاه‌های علمی معتبر مانند JSTOR، PhilPapers و Google Scholar جستجو و مورد بررسی قرار گرفته‌اند.
- داده‌های جمع‌آوری شده از منابع مورد بررسی، در قالب مفاهیم و موضوعات مرتبط دسته‌بندی و با استفاده از روش‌های تحلیل محتوا و تفسیر فلسفی مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. در تحلیل محتوای داده‌ها، به دنبال شناسایی مضامین کلیدی و استخراج روابط بین مفاهیم مرتبط با دین و اخلاق در فلسفه اسپینوزا بوده‌ایم. در تفسیر فلسفی داده‌ها، تلاش شده با در نظر گرفتن زمینه فلسفی آثار اسپینوزا، مفاهیم استخراج شده به طور عمیق تفسیر و ارتباط آن با اخلاق پزشکی و سلامت نیز

طور جامع در مطالعات معاصر بررسی نشده است. در حالی که تحقیقات زیادی بر اساس دیدگاه‌های فلسفی اسپینوزا در زمینه اخلاق و روانشناسی انجام شده، اما کمتر پژوهشی به ارتباط پیچیده میان دین، اخلاق و سلامت در چارچوب نظریات اسپینوزا پرداخته است. در حقیقت، بیشتر پژوهش‌ها به تفکیک به جنبه‌های مختلفی از فلسفه اسپینوزا پرداخته‌اند (مانند اخلاق و روانشناسی). این مقاله قصد دارد تا این خلاء علمی را پر کرده و با یکپارچه‌سازی این جنبه‌ها، فهم بهتری از چگونگی تأثیر فلسفه اسپینوزا بر دین، اخلاق و سلامت انسان ارائه دهد. همچنین، این تحقیق می‌تواند مبنای جدیدی برای پژوهش‌های میان‌رشته‌ای در روانشناسی، پزشکی و فلسفه اخلاق ایجاد کند و به توسعه درمان‌های روان‌تنی و اخلاقی مبتنی بر فلسفه اسپینوزا کمک کند.

پرسش اصلی این است که اسپینوزا مفاهیم دین و اخلاق را چگونه تعریف و تبیین می‌کند و با توجه به اینکه دیدگاه اسپینوزا پیامدهایی برای اخلاق دینی و سلامت فردی و اجتماعی دارد چه رابطه‌ای میان دین و اخلاق در فلسفه اسپینوزا برقرار است؟ به خصوص اینکه اسپینوزا، با رویکرد جامع خود به انسان و جهان، نگرشی غنی و چند بعدی به سلامت ارائه می‌دهد که فراتر از دیدگاه‌های تقلیل‌گرایانه است (۵).

در این پژوهش، با استفاده از روش تحلیل محتوا و تفسیری، به بررسی آثار اصلی اسپینوزا به خصوص مباحث مرتبط با اخلاق و دین در کتاب «اخلاق» او و همچنین منابع علمی معتبر پرداخته خواهد شد. یافته‌های این پژوهش در قالب بخش‌های زیر ارائه خواهد شد:

1. The Ethics

2. Theological-Political Treatise

تبیین شوند.

اخلاق از دیرباز ذهن اندیشمندان را به خود مشغول کرده است. در طول تاریخ فلسفه، دیدگاه‌های متنوعی در مورد رابطه دین و اخلاق مطرح شده که این دیدگاه‌ها را می‌توان در چهار دسته‌ی کلی طبقه‌بندی کرد: تباین، تعارض، اتحاد، و تعامل. در ادامه، به بررسی اجمالی این دیدگاه‌ها می‌پردازیم و سپس به واکاوی دیدگاه اسپینوزا در این زمینه خواهیم پرداخت (۷).

دیدگاه تباین

در دیدگاه تباین، دین به حوزه ایمان و اخلاق به حوزه عمل مربوط می‌شود. کی‌یرکگور^۴ معتقد است در حوزه اخلاق، انسان قادر نیست به مرحله ایمان قدم گذارد. به نظر او، ایمان و اخلاق دو مقوله متضاد هستند که در یک فرد نمی‌تواند به طور همزمان وجود داشته باشد. (۸، ۹).

در دین و اخلاق متباین، در حوزه پزشکی با پرسش‌های پیچیده‌ای مواجه می‌شویم: به عنوان مثال اگر دین مبنای اخلاق نباشد، چه چیزی باید جایگزین آن شود؟ آیا اصول اخلاقی مانند احترام به خودمختاری و عدالت به تنهایی می‌توانند راهنمای تصمیم‌گیری‌های پزشکی باشند؟ یا در مواردی که ارزش‌های دینی با اصول اخلاقی سکولار در تضادند، چگونه باید تصمیم گرفت؟ و اگر دین و اخلاق مجزا باشند، آیا دین هیچ نقشی در مراقبت‌های بهداشتی دارد؟ آیا می‌توان از منابع دینی برای حمایت روانی بیماران استفاده کرد؟

دیدگاه تعارض

دیدگاه تعارض، دین را نه تنها مستقل از اخلاق، بلکه مانعی بر سر راه شکوفایی آن می‌داند. آنها بر این باورند اعتقادات دینی، با ترویج اطاعت کورکورانه به تضعیف اخلاق منجر می‌شود. این

به منظور بررسی جامع رابطه دین و اخلاق در فلسفه اسپینوزا، در ابتدا نسبت‌های میان این دو مقوله، از تباین و تعارض تا اتحاد و هم‌پوشانی، مورد توجه قرار می‌گیرد. سپس، با رویکردی تحلیلی-تفسیری، به تبیین مبانی فلسفی دیدگاه اسپینوزا در مورد دین و اخلاق و نسبت آن با اخلاق پزشکی پرداخته می‌شود. مفاهیمی کلیدی چون «وحدت وجود»، «جبرگرایی»، «خیر و شر»، «فضیلت» و «سعادت» در دستگاه فکری اسپینوزا بررسی شده؛ و در ادامه، با ارائه شواهد و استناد به آثار اسپینوزا، به ویژه «اخلاق» و «رساله الهیاتی سیاسی»، نسبت میان آن‌ها بحث خواهد شد.

بحث

دوره رنسانس، با ایجاد تحولات عمیق در حوزه‌های مختلف پرسش‌های جدیدی را مطرح کرد. این تحولات، منجر به شکوفایی فکری در تفسیر متون دینی شد. متفکرانی همچون اسپینوزا با بهره‌گیری از این رویکردها، تلاش کردند تا تفسیری نوین از دین ارائه دهند که با یافته‌های علمی و نیازهای انسانی عصر جدید سازگار باشد.

رابطه دین و اخلاق

سرآغاز بحث رابطه‌ی دین و اخلاق را می‌توان در پرسش بنیادین سقراط^۱ از اتیفرون^۲ جستجو کرد: آیا چون خدا به چیزی امر کرده آن چیز خوب است یا چون خوب است خدا به آن امر کرده است؟ (۶). این پرسش، که توسط افلاطون^۳ ثبت شده، نشان می‌دهد چالش‌های فلسفی پیرامون رابطه‌ی دین و

3. Plato
4. Soren Kierkegaard

1. Socrates
2. Euthyphro

دیدگاه تعامل

در این دیدگاه معتقدند دین و اخلاق، هرچند هویت مستقلی دارند، اما در عین حال با هم در تعامل اند و یکدیگر را تقویت و تکمیل می‌کنند (۱۶). بنابراین دین و اخلاق به هم وابسته هستند. بسیاری از اصول اخلاقی ریشه در آموزه‌های دینی و برخی از آموزه‌های دینی نیز به دلیل ارزش اخلاقی آن است. در دیدگاه تعامل، دو نظریه برای تبیین رابطه دین و اخلاق ارائه می‌شود:

نظریه امر الهی

هیچ فعلی به خودی خود، خوب یا بد نیست، بلکه بستگی به دستور خداوند دارد. به عبارت دیگر، یک عمل فقط در صورتی درست است که خداوند به آن امر و در صورتی نادرست است که از آن نهی کرده باشد (۱۷). ویلیام اکام^۵ اراده خداوند را معیار نهایی اخلاقی بودن عمل می‌داند و بر این اساس انسان در نهایت باید در راستای اراده الهی عمل کند (۱۸).

این دیدگاه، در حوزه اخلاق پزشکی، یعنی تصمیم‌گیری‌های اخلاقی در مورد درمان، مراقبت و پژوهش‌های پزشکی باید بر اساس فرامین الهی صورت گیرد. به عنوان مثال، اگر یک دین خاص سقط جنین را به هر صورتی ممنوع کرده باشد در هر شرایطی نادرست خواهد بود.

نظریه قانون طبیعی

عقلانیت در انسان عطیه‌ای الهی است که به واسطه آن، انسان قادر به شناخت خوب و بد است. توماس آکویناس^۶، عقل سلیم را درک کننده قوانین اخلاقی می‌داند که در طبیعت انسان

دیدگاه، در آثار فیلسوفانی چون نیچه^۱، مارکس^۲ و فروید^۳ بازتاب یافته است (۱۰، ۱۱). نیچه بر این باور است که مسیحیت، با ترویج فضایل انفعال و فروتنی، مانع از شکوفایی خلاقیت و قدرت انسان می‌شود (۱۲). مارکس آن را ابزاری برای تسکین دردهای اجتماعی و غفلت از نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌های موجود در نظر می‌گیرد (۱۳). فروید دین را توهمی می‌داند که ریشه در ناخودآگاه انسان داشته و با سرکوب غرایز و امیال طبیعی، به اضطراب و روان‌رنجوری می‌انجامد (۱۴).

دیدگاه تعارض نقش دین را زیر سوال می‌برد و بر اهمیت عقلانیت، خودمختاری بیمار و شواهد علمی تأکید و در موضوعات حساس مانند سقط جنین، اتانازی و فناوری‌های تولید مثل بر اهمیت خودمختاری، ملاحظات پزشکی و پیامدهای اجتماعی و روانی تصمیم‌گیری‌ها تأکید می‌کند.

دیدگاه اتحاد

این دیدگاه دین و اخلاق را در پیوندی ناگسستنی و به عنوان یک کل واحد می‌بیند. دین با ارائه‌ی آموزه‌های اخلاقی مبنای اخلاق را فراهم می‌کند و به آن معنا و جهت می‌بخشد. ماتیو آرنولد^۴، فیلسوف انگلیسی، از نمایندگان برجسته‌ی این دیدگاه است (۱۰) او دین را همان اخلاق با احساس و عاطفه می‌داند و معتقد است دین با ارائه‌ی آموزه‌های اخلاقی و ترویج آن، به انسان در مسیر زندگی سعادت‌مندانه یاری می‌رساند (۱۵). این راهنمایی‌ها می‌تواند در حوزه پزشکی نیز مفید و به عنوان یک چارچوب اخلاقی کلی برای رفتار پزشکان و بیماران عمل کند.

4. Matthew Arnold
5. William of Ockham
6. Thomas Aquinas

1. Nietzsche
2. Marx
3. Sigmund Freud

و جهان هستی وجود دارد و با قوانین الهی مطابقت دارد و انسان با پیروی از آنها در مسیر رستگاری گام برمی‌دارد (۱۰).

این رویکرد، با تأکید بر حق انتخاب آگاهانه بیمار، می‌تواند به ایجاد رابطه‌ای مبتنی بر احترام و اعتماد بین پزشک و بیمار کمک کند. همچنین، با توجه به اهمیت سلامت به عنوان بخشی از سعادت و کمال وجودی انسان، می‌تواند به پزشکان در اتخاذ تصمیماتی کمک کند که نه تنها به درمان بیماری، بلکه به ارتقای کلی سلامت و رفاه بیماران منجر شود.

نظریات مذکور به طور مفصل در جای خود بررسی شده و در اثبات و رد آنها موافقان و مخالفان دلایل خود را ارائه داده‌اند. در اینجا، بدون توجه به نقد و نظری که بر آنها رفته است، صرفاً برای احصاء انواع ممکن نسبت میان دین و اخلاق به آنها اشاره شد. در ادامه، با توجه به نسبت‌های مذکور برای کشف دیدگاه اسپینوزا درباره رابطه میان دین و اخلاق و ارتباط آن با حوزه اخلاق پزشکی، ابتدا نظرات اسپینوزا را درباره دین مورد توجه قرار می‌دهیم.

دیدگاه اسپینوزا درباره دین

از نظر اسپینوزا آموزه‌های کتاب مقدس، برخلاف عقل، بر اساس حکایت‌ها و وحی بنا شده‌اند و نمی‌توان آنها را از طریق عقل استنتاج کرد و پیشنهاد می‌کند کتاب مقدس مانند یک سند تاریخی طبیعی بررسی شود، یعنی با همان روش‌هایی که در علوم طبیعی به کار می‌روند. این رویکرد نیازمند تحلیل تجربی و دقیق متون و زمینه‌های تاریخی آن است تا اصول کلی کتاب شناسایی شود (۵).

اسپینوزا معجزات کتاب مقدس را بیشتر حکایت‌هایی می‌داند که روابط میان وقایع طبیعی را نشان می‌دهند و ارزیابی صحت آنها بر عهده مورخان است. مکاشفات و حیانی از نظر او

فراتر از درک بشر و تنها بر اساس عقاید پیامبران قضاوت می‌شوند (۱۹).

اسپینوزا معرفت ارائه شده در بخشی از کتاب مقدس را حداقلی می‌داند. یعنی کتاب مقدس در صدی از دانش لازم برای زندگی خوب را به انسان ارائه می‌دهد که مشتمل بر آموزه‌های اخلاقی و فلسفی بنیادی برای هدایت زندگی است (۲۰). او بر این باور است برای دستیابی به معرفت کامل باید از عقل و خرد استفاده و به دنبال کشف قوانین طبیعی جهان بود (۲۱). بنابر دیدگاه اسپینوزا، آموزه‌های کتاب مقدس چارچوبی اخلاقی برای حفظ سلامت ارائه می‌دهند، اما دستیابی به سلامت کامل نیازمند استفاده از عقل و تحقیقات علمی و پزشکی است.

اسپینوزا هدف اصلی کتاب مقدس را انگیزش مؤمنان به عمل اخلاقی می‌داند. پیامبران در ارائه متون مقدس تلاش داشته‌اند تا مردم را از قید و بند عواطف انفعالی رها و به سوی زندگی اخلاقی و رستگاری هدایت کنند (۲۲).

از نظر اسپینوزا، اثبات آسمانی بودن کتاب مقدس و حقانیت پیامبران فقط از طریق تعالیم اخلاقی آن امکان‌پذیر است؛ و معجزه نمی‌تواند حقانیت پیامبری را به اثبات برساند، زیرا ممکن است پیامبر دروغینی نیز معجزه بیاورد (۱۹). پس تنها راه برای شناخت حقانیت کتاب مقدس بررسی عمیق تعالیم اخلاقی آن است.

بنابراین از نظر اسپینوزا، دین و اخلاق در تضاد نیستند. دین می‌تواند به ارتقای اخلاقی انسان کمک کند. در حوزه اخلاق پزشکی، این دیدگاه نشان می‌دهد آموزه‌های دینی، به ویژه آنهایی که بر شفقت، عدالت و کرامت انسانی تأکید دارند، می‌توانند به‌عنوان منبع انگیزه و الهام برای پزشکان عمل کند. این آموزه‌ها در مراقبت از بیماران، کاهش درد و رنج و احترام

ارتباط عمیق انسان با طبیعت و کل هستی را برجسته می‌کند؛ ارتباطی که مبنایی برای اخلاق زیست محیطی و توجه به تأثیر فعالیت‌های انسانی بر سلامت سیاره زمین فراهم می‌کند. به عبارتی سلامت انسان نه تنها به سلامت فردی و اجتماعی، بلکه به سلامت کل سیاره زمین وابسته است.

بنابراین، فلسفه اسپینوزا، با تأکید بر وحدت وجود به توسعه یک اخلاق پزشکی جامع و کل‌نگر کمک می‌کند که نه تنها بر درمان بیماری‌ها، بلکه بر پیشگیری از آن و ارتقای سلامت کلی فرد، جامعه و محیط زیست تمرکز دارد.

اسپینوزا با استدلالی وجودی، خداوند را به عنوان علتی همه‌جا حاضر معرفی می‌کند که وجود هر موجودی، از جمله انسان، به او وابسته است (۲۶). بر اساس وحدت وجود اسپینوزا، انسان بخشی از طبیعت و سلامت او به معنای حفظ تعادل با قوانین طبیعی است. بیماری‌ها نشانه‌های ناهماهنگی با طبیعت‌اند و بر اهمیت سبک زندگی سالم، تغذیه مناسب، فعالیت بدنی و ارتباط با طبیعت تأکید می‌شود و درمان‌های جامع و کل‌نگران‌ای را تشویق می‌کند که بر ایجاد تعادل و هماهنگی در کل وجود انسان تمرکز دارند. به عبارتی تأکید بر وحدت وجود، عقلانیت و سعادت، چارچوبی جامع و انسان‌گرایانه برای اخلاق پزشکی ارائه می‌دهد. این چارچوب به پزشکان و متخصصان سلامت کمک می‌کند تا تصمیم‌گیری‌های اخلاقی آگاهانه و مسئولانه‌تری بگیرند و به ارتقای سلامت و سعادت بیماران و جامعه یاری رسانند.

دیدگاه اسپینوزا درباره اخلاق

نظریه اخلاقی اسپینوزا بر آزادی انسان از تأثیرات ناشی از احساسات و انگیزه‌های ناخودآگاه متمرکز است. او با تأکید بر آگاهی از عواطف معتقد است انسان می‌تواند از بندگی عواطف

به خودمختاری بیماران نقش مهمی در تصمیم‌گیری‌های اخلاقی ایفا می‌کنند.

اسپینوزا مفهوم وحدت وجود را بنیادی‌ترین اصل متافیزیکی دانسته که بر تمام جنبه‌های هستی، از جمله اخلاق و به تبع آن، اخلاق پزشکی، سایه می‌اندازد. اسپینوزا با این ایده که «خدا یا جوهر، منشأ همه چیز است» (۲۱)، دریچه‌ای نو به سوی فهم رابطه انسان، طبیعت و سلامت می‌گشاید که در آن نه تنها وجود اشیاء، بلکه تصور و شناخت آنها نیز وابسته به خداست و زمینه‌ساز رویکردی کل‌نگر به سلامت می‌شود که در آن، جسم و روان، فرد و جامعه، و انسان و طبیعت، در هم تنیده و جدایی‌ناپذیرند.

اسپینوزا با تعریف جوهر به چیزی که «تنها یک مصداق داشته باشد» و آن را «خدا» بداند، وحدت و یگانگی هستی را اعلام می‌کند (۲۳). این جوهر هم مبدأ وجود و هم مبدأ شناخت است. یعنی هر چیزی از جمله انسان و سلامت او، تجلی و ظهوری از این جوهر واحد است. بر این اساس سلامت نه صرفاً به معنای نبود بیماری، بلکه به معنای هماهنگی و تعادل با کل هستی است.

این ایده اسپینوزا که «خداوند علاوه بر صفت تفکر، دارای صفت امتداد نیز هست» (۲۴)، به معنای این است که ماده و ذهن، جلوه‌هایی از یک حقیقت واحد هستند؛ دوگانه‌انگاری دکارتی را به چالش می‌کشد و در حوزه سلامت نیز زمینه‌ساز رویکردی جامع به سلامت می‌شود به طوری که در چنین نگاهی، سلامت روان، به اندازه سلامت جسم، اهمیت داشته و هر دو باید در کنار هم مورد توجه قرار گیرند.

اسپینوزا با بیان اینکه «هر چیزی که وجود دارد، در خداست و غیرممکن است چیزی بدون خدا وجود داشته باشد» (۲۵)،

آزاد شده و به سوی آزادی عقلانی حرکت کند (۲۷)؛ که پایه‌ای برای توجیه اختیار و آزادی فردی است. اسپینوزا، با تحلیل عقلانی، اختیار، خیر و شر، و فضیلت را بر پایه عقل و شناخت تعریف می‌کند. دین از نظر اسپینوزا در صورتی که مبتنی بر عقل و شناخت باشد در ترویج فضیلت مؤثر است.

اختیار

در فلسفه اسپینوزا، فاعل مختار بر اساس ضرورت ذات خود عمل می‌کند. به عبارت دیگر، اعمال او ناشی از طبیعت و ذات او است و تحت تأثیر عوامل خارجی قرار نمی‌گیرد؛ ولی مجبور، تحت تأثیر عواملی خارج از ذات خود عمل می‌کند و اراده او تحت سلطه عوامل بیرونی است (۲۸). دیدگاه مذکور، در حوزه سلامت و اخلاق پزشکی، اهمیت خودمختاری و حق انتخاب آگاهانه در تصمیم‌گیری‌های مربوط به سلامت را برجسته می‌کند. در حوزه سلامت، این مفهوم به معنای حق بیماران در تصمیم‌گیری آگاهانه در مورد درمان و مراقبت‌های بهداشتی است (۲۹). انگیزه‌های مختلفی که در انسان‌هاست باعث عمل کردن به برخی اعمال و رویگردانی از برخی دیگر می‌شود. اما فقط زمانی می‌توان انسان را فاعل مختار دانست که فعل او به اقتضای ذاتش باشد. ذات انسان، عقل اوست و هر عملی که بر اساس عقل صادر شود فعلی آزاد خواهد بود (۳۰).

بنابراین اسپینوزا اختیار را نه به عنوان انتخاب میان فعل و ترک، بلکه به معنای ضرورت صدور فعل از فاعل می‌داند و آن را از جبر که به وابستگی به عامل خارجی اشاره دارد، متمایز می‌کند. او تضادی میان اختیار و ضرورت نمی‌بیند و اختیار را مفهومی مشترک میان انسان و خدا می‌داند. برخلاف دیدگاه‌های رایج، اسپینوزا اعمال اختیار را نوعی فضیلت و مجبور بودن را به عنوان ردیلت تلقی می‌کند (۳۳).

خیر، شر و حیات عقلانی

اسپینوزا معتقد است خیر و شر هر دو از ذات خداوند ناشی می‌شوند. در مورد انسان، خیر آن چیزی است که به او کمک می‌کند تا به انسانیت حقیقی خود دست یابد، و شر او را از این مسیر منحرف می‌کند (۲۳). یعنی اسپینوزا، خیر را چیزی می‌داند که به افزایش قدرت عمل انسان و رسیدن او به حیات عقلانی کمک می‌کند (۲۱). این حیات عقلانی در واقع همان شناخت خداوند است که در نهایت به سعادت منجر می‌شود (۵).

اسپینوزا در قضیه ۲۹ بخش چهارم کتاب اخلاق، هر چیزی که به شادی یا غم منجر شود را خیر یا شر می‌داند. همچنین در قضیه ۹ بخش سوم کتاب اخلاق، علت اینکه انسان‌ها چیزی را خوب می‌دانند این می‌داند که برای رسیدن به آن تلاش می‌کنند. به عبارت دیگر، اینطور نیست که چون چیزی را خوب می‌دانیم برای رسیدن به آن تلاش کنیم، بلکه برعکس، چون برای رسیدن به چیزی تلاش می‌کنیم، آن را خوب می‌دانیم (۲۱). دیدگاه اسپینوزا در باب خیر و شر، با وجود اینکه در ظاهر سکولار به نظر می‌رسد، ریشه در تفکر دینی و الهیاتی او دارد و می‌تواند مفاهیم اخلاقی عمیقی را برای حوزه پزشکی به ارمغان بیاورد.

ارتباط با دین

تعریف مذکور از خیر و شر با مفهوم «قرب الهی» در بسیاری از ادیان، به ویژه ادیان ابراهیمی، همخوانی دارد. در این ادیان، هدف غایی انسان، نزدیکی به خداوند و رستگاری است (۳۱). از این منظر «حیات عقلانی» اسپینوزا، معادل «قرب الهی» در ادیان است و «خیر»، همان چیزی است که انسان را به این هدف نزدیک می‌کند.

پیامدها برای اخلاق پزشکی

اسپینوزا بر اهمیت زندگی اجتماعی تأکید دارد و سعادت فردی را در گرو سعادت جامعه می‌داند. این دیدگاه، مبنایی اخلاقی برای سیاست‌ها و اقدامات بهداشتی عمومی فراهم می‌کند؛ تا تصمیم‌گیری‌های اخلاقی در حوزه سلامت نه تنها منافع فردی، بلکه تأثیر آنها بر سلامت و سعادت کل جامعه را در نظر گیرد (۳۲).

دیدگاه مذکور به اخلاق پزشکی، بُعدی معنوی می‌دهد. پزشک نه تنها مسئول درمان بیماری‌های جسمی، بلکه تسهیل‌کننده‌ی حرکت بیمار به سوی سعادت نیز هست (۳۳). یعنی پزشک باید به ابعاد معنوی و روحانی زندگی بیمار توجه کند و در صورت امکان، او را در مسیر شناخت و تعالی یاری دهد. بنابراین تا اینجا از دیدگاه اسپینوزا، انسان اعمال خود را به اقتضای ذات الهی انجام می‌دهد و تفاوت در عمل به تفاوت در نحوه صدور آنها از ذات خداوند مربوط می‌شود. یعنی خوبی و بدی اعمال ذاتی نیست و خیر و شر وابسته به خداوند بوده و از این رو ذات الهی تقدم بر اخلاق دارد.

فضیلت

اسپینوزا در پرتو تفسیر خود از مفهوم خیر، فضیلت را به عنوان عمل بر اساس قوانین طبیعت انسانی تعریف می‌کند. با این نگرش، او فضیلت را از صیانت ذات بالاتر و قدرت و فضیلت را دو مفهوم مترادف می‌داند.

تطابق میان قدرت و فضیلت در منظومه علمی اسپینوزا مفهوم روشنی دارد. فضیلت را به معنای عمل بر اساس عقل تعریف و آن را در مقابل رذیلت به معنای اسارت در دام احساسات و انفعالات غیراخلاقی قرار می‌دهد (۲۳).

اسپینوزا در پی ایجاد ارتباط میان قدرت، فضیلت، صیانت ذات و عقل بوده و معتقد است انسان برای حفظ صیانت ذات،

فضیلت خود را نیز افزایش می‌دهد. به عبارت دیگر، با پیگیری این هدف، انسان قدرت بیشتری به دست می‌آورد و در نتیجه، مطابق قوانین طبیعت عمل کرده و تحت هدایت عقل قرار می‌گیرد (۲۶).

بنابراین بر مبنای اسپینوزا، فضیلت همان قدرت است. در انسان، فضیلت به عنوان قدرت بر انجام برخی اعمال، چیزی جز ذات و طبیعت او یعنی عقل نیست. از این رو، شخص فضیلت‌مند واجد نفسی قدرتمند است. در مقابل، شخص رذیلت‌مند در اسارت عواطف خود گرفتار است (۲۳). اسپینوزا فضیلت را عملی می‌داند که برای حفظ وجود و افزایش قدرت انسان انجام می‌شود که منطبق بر قوانین طبیعت است.

اسپینوزا در کتاب اخلاق، در قضایای ۲۶ تا ۲۸ از بخش چهارم، این نکته را روشن می‌کند که اگرچه فضیلت عملی مطابق با طبیعت انسان است، اما بدون شناختی جامع از انسان و جهان، دستیابی به آن امکان‌پذیر نیست. این شناخت جامع، خود مبتنی بر شناخت خداوند است. بنابراین، انسان در صورتی به فضیلت دست می‌یابد که هم به معرفت کامل دست یابد و هم از عمل فضیلت‌مندانه آگاه باشد (۲۱). دیدگاه اسپینوزا در مورد ارتباط فضیلت، شناخت و خداوند، می‌تواند پیامدهای مهمی برای دین و اخلاق پزشکی داشته باشد.

ارتباط با دین

در بسیاری از ادیان، خداوند به عنوان منبع خیر و کمال مطلق شناخته می‌شود (۳۳). بنابراین، شناخت خداوند و پیروی از دستورات او می‌تواند به عنوان راهی برای دستیابی به فضیلت و زندگی اخلاقی در نظر گرفته شود.

در اخلاق پزشکی، این دیدگاه می‌تواند به اهمیت معنویت و دین در مراقبت از بیماران اشاره داشته باشد (۳۴). برای بسیاری از بیماران، اعتقادات دینی و معنوی، منبع مهمی از معنا، امید

و آرامش در مواجهه با بیماری و رنج است (۳۵). بنابراین، توجه به این ابعاد معنوی در مراقبت از بیماران، می‌تواند به بهبود کیفیت زندگی آنان و تسهیل روند درمان کمک کند.

ارتباط با اخلاق پزشکی

عمل فضیلت‌مندانه از نظر اسپینوزا نیازمند شناخت و آگاهی است (۲۱). این دیدگاه می‌تواند به اهمیت خودآگاهی و آموزش اخلاقی در حرفه پزشکی تاکید کند. پزشکان باید از ارزش‌ها، باورها و تعصبات خود آگاه باشند و بتوانند به صورت انتقادی در مورد تصمیمات اخلاقی خود تأمل کنند (۳۶). همچنین، آموزش مداوم اخلاق پزشکی می‌تواند به پزشکان کمک کند تا دانش و مهارت‌های لازم برای مواجهه با چالش‌های اخلاقی پیچیده را کسب کنند. علاوه بر این، دیدگاه اسپینوزا در مورد رابطه میان شناخت و فضیلت، می‌تواند به اهمیت ارتباط پزشک و بیمار اشاره داشته باشد (۲۹). یک ارتباط موثر و مبتنی بر اعتماد، می‌تواند به بیمار کمک کند تا شناخت بهتری از بیماری و گزینه‌های درمانی خود پیدا کند و تصمیمات آگاهانه‌تری بگیرد؛ و پزشک، ارزش‌ها و ترجیحات بیمار را بهتر درک کند و درمان را با توجه به نیازهای خاص او تنظیم کند.

با توجه به رویکرد و نظریات اسپینوزا که مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت روشن می‌شود رابطه میان دین و اخلاق تعاملی است، نه تباینی، متعارض یا متحد. در الهیات عقلانی اسپینوزا، اخلاق بر پایه عقل و شناخت بنا نهاده شده و انسان از طریق شناخت عقلانی طبیعت و جایگاه خود در آن می‌تواند به درک خیر و شر و فضیلت دست یابد و دین تا زمانی که بر پایه عقل و شناخت است در ترویج فضیلت نقش مؤثری دارد.

نتیجه‌گیری

اسپینوزا، با تأکید بر وحدت وجود و عقلانیت چارچوبی

نوآورانه برای اخلاق پزشکی فراهم می‌آورد؛ و با نفی خیر و شر مطلق و تبیین آنها به عنوان مفاهیمی وابسته به علم و درک انسان، و با تعریف فضیلت به عنوان تبعیت عقلانی از قوانین طبیعت انسانی، دریچه‌ای نو به سوی درک رابطه دین و اخلاق در حوزه سلامت می‌گشاید.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد اسپینوزا، در عین حفظ استقلال دین و اخلاق، آنها را در یک تعامل سازنده می‌بیند که در آن، دین مبتنی بر عقل و شناخت در خدمت ترویج فضایل اخلاقی و نیل به سعادت حقیقی است و با تأکید بر خودمختاری بیمار، تصمیم‌گیری‌های آگاهانه، و توجه به ابعاد روانی و اجتماعی سلامت، می‌تواند در مواجهه با چالش‌های اخلاقی روزافزون در حوزه پزشکی، مانند عدالت در توزیع منابع محدود و تصمیم‌گیری در مورد پایان زندگی راهگشا باشد.

این پژوهش، با نگاهی به دیدگاه‌های اسپینوزا و ارتباط آن با اخلاق پزشکی، زمینه‌ساز پژوهش‌های آینده در این حوزه خواهد بود. بررسی تأثیر دیدگاه اسپینوزا بر تفسیر متون مقدس و آموزه‌های دینی در حوزه پزشکی، تحلیل کاربرد عملی این دیدگاه در ترویج فضایل اخلاقی در میان پزشکان و بیماران و بررسی امکان ایجاد گفتگوی بین دین و عقل در جامعه پزشکی، از جمله موضوعاتی هستند که می‌تواند در پژوهش‌های آینده مورد توجه قرار گیرند.

در نهایت، این پژوهش گامی مهم در جهت غنی‌سازی گفتمان اخلاقی به ویژه در حوزه سلامت برداشته و پژوهشگران را به ادامه کاوش در این حوزه فلسفی پر بار فرا می‌خواند؛ با این امید که بتوان از این چارچوب فلسفی برای بهبود تصمیم‌گیری‌های اخلاقی و ارتقای کیفیت مراقبت‌های پزشکی بهره برد.

منابع

1. Jahangiri M. Ibn Arabi, Spinoza and Bacon in conversation with Dr. Mohsen Jahangiri. Keyhan Farhangi 1990;7(2): 4-1. [in Persian]
2. Youpa A. Spinoza and the ethics of naturalism. New York: Oxford University Press;2020
3. Taylor D. Do we still not know what a body can do? Spinoza, Arendt and The Productive Body. [cited 2025 Jan]. available from: <https://oro.open.ac.uk/90726/3/90726.pdf>
4. Della Rocca, M. Spinoza's Ethics: An Introduction. Oxford University Press;2008
5. Nadler E. [Baruch Spinoza]. Translated by Sajedi A. Tehran: Qoqnoos; 2011. [in Persian]
6. Pojman LP, editor. Morality and religion. In: Philosophy of religion: an anthology. 7th ed. Belmont (CA): Wadsworth Cengage Learning; 2014
7. Mohammad Reza Khaki, Challenges of Religion and Spirituality in Modern Civilization, Journal of Kalam Islami 2016; 24(96): 111. [in Persian]
8. Tavakoli Gh, Kierkegaard and the Will to Become, Journal of Comparative Law ۲۰۰۱; (۲۸): 7-28. [in Persian]
9. Lippitt, John and C, Stephen E. The Stanford Encyclopedia of Philosophy (Fall 2024 Edition). available from: <https://plato.stanford.edu/archives/fall2024/entries/kierkegaard>
10. Sharaf R. Kavandi S, Critical Analysis of Religion and Morality: An Investigation into Types of Morality's Dependence on Religion. Journal of Critical Studies in Texts and Programs of Human Sciences 2017; 5(17): 1223-143. [in persian]
11. Sajedi A. The relations between religion and morals. Journal of Ethical Knowledge. 2011;2(7):23. [in Persian]
12. Leiter B. Nietzsche's moral and political philosophy. In: Zalta EN, editor. The Stanford Encyclopedia of Philosophy (Summer 2021 Edition). available from: <https://plato.stanford.edu/entries/nietzsche-moral-political>
13. Wolff J, Leopold D. Karl Marx. In: Zalta EN, editor. The Stanford Encyclopedia of Philosophy (Spring 2021 Edition). available from: <https://plato.stanford.edu/entries/marx>
14. Freud S. The future of an illusion. New York: Liveright Publishing Corporation; 1927
15. Arnold M. Literature and dogma. London: Smith, Elder, & Co; 1873
16. Khosrupanah A. The relationship between religion and ethics from the point of view of Professor Misbah. Journal of Ketabe Naghd. 2004;30:22-40. [in Persian]
17. Murphy M. Theological voluntarism. In: Zalta EN, editor. The Stanford Encyclopedia of Philosophy (Summer 2019 Edition). available from: <https://plato.stanford.edu/entries/voluntarism-theological>
18. King P. Ockham's Ethical Theory. In: Spade PV, editor. The Cambridge Companion to Ockham. Cambridge: Cambridge University Press; 1999
19. Talebzade H, Spinoza and interpretation of religious texts. Journal of the faculty of literature and humanities, university of Tehran 2006; 57(180): 23. [in persian]
20. Spinoza B. Theological-political treatise. In: Israel J, editor. Translated by Silverthorne M, Israel J. Cambridge: Cambridge University Press; 2007
21. Spinoza B. The ethics. In: Saadat E, editor. Translated by Jahangiri M. Tehran: University Publication Center; 1997. [in Persian]
22. Talebzadeh H, Saberi Varzaneh H. Spinoza's critiques of anthropomorphism. Philosophy. 2015;42(2):73-89. [in Persian]
23. Taheri S. Theoretical principles of Spinoza's practical philosophy. Journal of Human Science. 2006;50:75-96. [in Persian]

24. Asadi A, A critique of Spinoza. Journal of Marefat. 2002; 61: 17-30. [in persian]
25. Jaspers K. Spinoza, Translated by Lotfi Tabrizi M. Tehran: Tarh-e-no; 1999. [in Persian]
26. Allafchian Z, Shamshiri M. A Comparative Study of "Happiness" in View of Mulla Sadra and Spinoza, Journal of Sadra's wisdom, 2020; 8(2): 177-191. [in Persian]
27. Astore, RA. Spinoza on God, Affects, and the Nature of Sorrow. Journal of Florida Philosophical Review 2017; 17(1):59.
28. Shamshiri M, Alafchian Z. The Will and Free Will According to Ghazali and Spinoza. Comparative Theology 2018; 9(19):1-22.
29. Emanuel EJ, Emanuel LL. Four models of the physician-patient relationship. JAMA. 1992;267(16):2221-2226.
30. Sofiiian M. Spinoza, The Philosopher or Mystic?, Journal of Philosophical Theological Research 2004; 5(3): 103. [in Persian]
31. Pellegrino ED, Thomasma DC. The virtues in medical practice. Oxford: Oxford University Press; 1993
32. Steinberg J. Spinoza on sociality, suffering, and the therapeutic benefits of community. Journal of the American Philosophical Association 2018; 4(3): 341-360
33. Sulmasy DP. A balm for Gilead: meditations on spirituality and the healing arts. Georgetown: Georgetown University Press; 2002
34. Koenig HG. Religion, spirituality, and health: the research and clinical implications. ISRN Psychiatry. 2012
35. Puchalski CM, Ferrell BR. Making health care whole: integrating spirituality into patient care. West Conshohocken: Templeton Press; 2010.
36. Epstein RM, Krasner MS. Physician self-awareness and compassion in medical education. Journal of General Internal Medicine. 2008;23(7):1073-1078.

**Promoting Ethical Virtues as a Path to Knowing God:
The Interconnection of Religion, Ethics and Health from Spinoza's Perspective**

Hosein Fasihi*¹, Syyed Ahmad Fazeli²

1. PhD Student in Ethics Philosophy, University of Qom, Qom, Iran.

2. Associate Professor, Department of Ethics Philosophy, University of Qom, Qom, Iran.

Received: 19 June 2024

Accepted: 18 November 2024

Published: 12 March 2024

***Corresponding Author**

Hosein Fasihi

Address: Department of Moral Philosophy, Faculty of Theology, Qom University, Al-Ghadir Boulevard, Qom.

Postal Code : 3716146611

Tel: 98 25 32 10 30 00

Email: hoseinefasihi@gmail.com

Citation to this article:

Fasihi H, Fazeli SA. Promoting ethical virtues as a path to knowing God: the interconnection of religion, ethics, and health from Spinoza's perspective. *Iranian Journal of Medical Ethics and History of Medicine*. 2025; 17:Article number: 27.

Abstract

In the realm of philosophy, numerous thinkers have offered profound, and at times amazing, insights into the nature of existence. Among them, Spinoza stands out with his unique perspective, establishing a deep connection between ethics, religion, and the divine nature. Spinoza posits that religious texts, beyond their religious teachings, serve a motivational role in inspiring moral behavior. He locates the foundation of virtue within human nature and essence, arguing that the moral quality of actions is not inherent but is derived from God as the ultimate source of good and evil. Ultimately, adhering to the principle of universal necessity, Spinoza extends this concept to ethics, viewing it as an expression of divine nature. This perspective implies that morality and all human actions unfold within the framework of natural and divine necessity. An examination of Spinoza's views reveals a profound unity between humanity and the divine, characterized by a harmonious and interactive relationship between religion and ethics. Within Spinoza's philosophical system, these two categories are aligned, guiding individuals toward happiness and virtue. This innovative approach not only enriches our understanding of Spinoza's thought but also, by bridging religion, reason, and health, opens avenues for reconsidering medical ethics and spirituality in the contemporary world. This study, through a critical analysis of Spinoza's views, lays the groundwork for future investigations into moral philosophy, religion, and medical ethics, fostering a constructive dialogue between tradition and modernity.

Keywords: Spinoza, Medical ethics, Philosophy of religion, Virtue ethics.

